

تنظیم معادله تغییرات در نقد آثار معماری مبتنی بر رویکرد تکاملی و مدل وصفی فلسفه شدن اسلامی (نمونه موردی: مجموعه مصلی تهران)

نسیم اشرفی^۱

۱۴۰۱/۰۶/۰۲

تاریخ دریافت مقاله :

۱۴۰۱/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله :

چکیده

بیان مسئله: نقد در معماری زمانی جایگاه خود را پیدا می‌کند که پدیده‌ای در طول زمان تغییر یابد و بتوان بین حالت قبلی، حال و آینده پدیده، تغییرات را مشاهده نمود و مشاهده تغییرات در طول زمان نیاز به اوصاف مشترک در معماری دارد. زمانی که یک اثر معماری در هر برهه از زمان توصیف جدید و جداگانه پیدا می‌کند، امکان شناسایی تغییرات روابط بین آثار معماری در طول زمان مبهم خواهد بود و هدایت به وضعیت مطلوب (مطلوب در پژوهش حاضر وضعیت فطری و الهی است) موضوعیت نخواهد داشت و به نظر می‌رسد بیشتر نقدها در معماری امروزه مبتنی بر همین توصیف‌های جداگانه است.

سؤال تحقیق: دو سؤال در راستای نقد یک اثر معماری اهمیت می‌یابد: چگونه می‌توان یک اثر معماری را با تکیه بر تغییرات اثر در طول زمان نقد نمود؟ آیا می‌توان معادله‌ای برای کنترل تغییرات معماری جهت هدایت به وصف مطلوب ایجاد کرد؟

اهداف تحقیق: به نظر می‌رسد رویکرد فلسفه شدن اسلامی که نزدیک به چند دهه بین برخی صاحب‌نظران مطرح است، می‌تواند چارچوب مناسبی برای نقد یک کل متغیر باشد. هدف این فلسفه شناخت کل متغیر و هدایت تغییرات آن به سوی یک هدف متعالی یا همان غایت الهی است. در نتیجه پژوهش حاضر سعی می‌نماید با تکیه بر فلسفه شدن اسلامی با شناسایی اوصاف مشترک معماری در طول زمان، معادله‌ای را جهت کنترل تغییرات معماری تنظیم نماید.

روش تحقیق: پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد سیستمی - تکاملی به دنبال تنظیم معادله تغییرات در معماری است.

مهم‌ترین یافته‌ها و نتیجه‌گیری تحقیق: بر این اساس معادله‌ای تنظیم شده است که «جهت‌مداری اوصاف معماری به سوی فطرت و دین» را به عنوان شاخص معیار الهی در قالب مدل وصفی، معرفی می‌نماید که از سه ساختار بیرونی، درونی و کارکرد اثر معماری حاصل می‌شود و همین مدل وصفی، بستر قرب و تغییر مدل‌های ذهنی و عینی وضعیت موجود اثر را به سوی وضعیت مطلوب الهی فراهم می‌سازد.

واژگان کلیدی: فلسفه شدن، معماری، تغییرات، تکاملی، مصلی تهران

^۱ استادیار گروه معماری، گروه پژوهشی معماری حکمی - اسلامی، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، پردیس، ایران،

۱- مقدمه

رویکرد جزء گرایانه در تعاریف معماری نشان داده است با کوچک‌ترین تغییر در اجزای علم معماری، تعریف معماری متفاوت شود (تعاریفی مانند معماری تابع عملکرد است، معماری هنر تبدیل معنا به کالبد است، معماری راه بی‌زمان ساختن است، معماری همان سکنی گزیدن انسان است و ...) بر این اساس چون زبان توصیف معماری در هر زمان شکسته می‌شود، نمی‌توان تغییرات بین قبل و بعد معماری را توصیف نمود و زمانی که تغییر توصیف نشود، هدایت تغییر نیز موضوعیتی ندارد؛ بنابراین برای توصیف و به دنبال آن نقد معماری باید زبان واحدی داشت تا راهبری یک پدیده را در طول زمان حکایت و در نهایت آن را هدایت کرد. در این بین دستگاه‌های فلسفی مختلف رویکردهای متفاوتی در توصیف و تحلیل پدیده‌ها دارند؛ به‌عنوان مثال، نگرش صوری ارسطویی به ثبات توجه دارد و تغییرات را نادیده می‌گیرد و نگرش سیستمی به تغییرات توجه دارد و ثبات را در نظر نمی‌گیرد. بر این اساس فرهنگستان اسلامی قم نگرش تکاملی را در دستگاه فلسفه شدن ارائه می‌دهد که هر دو موضوع (ثبات و تغییر) را در کنار هم مدنظر دارد (جهانبخش ۱۳۹۸). این نگرش در بطن خود مدلی به نام مدل وصفی دارد که همان نظام اوصاف هر پدیده در دیروز و امروز و فردای آن را تشکیل می‌دهد؛ نکته مهم در این مدل آن است که خود وصف در طول زمان یک امر ثابت بوده و در همه زمان‌ها می‌تواند حضور داشته باشد. به‌عنوان مثال در توصیف معماری زمانی که بیان می‌شود: «معماری ظرف زندگی انسان است که در تعامل اقتصاد، فرهنگ و ... هر جامعه‌ای شکل می‌گیرد»، در این تعریف، اوصافی مانند ظرف زندگی، اقتصاد، فرهنگ، اجتماع و ... وجود دارد که در همه زمان‌ها ثابت است و تفاوت توصیف‌ها در زمان در میزان تأثیرگذاری هر یک از این اوصاف خواهد بود؛ ممکن است در یک دوره تاریخی تأثیر فرهنگ بیشتر بوده و تأثیر سیاست پایین باشد؛ اما در دوره دیگر تأثیر فرهنگ پایین آمده و تأثیر سیاست افزایش یابد؛ یعنی با گذشت

زمان می‌توان تغییرات معماری را با وصف مشترکی که دارند، توصیف و نقد نمود. بر این اساس رویکرد تکاملی نوعی روش سیستمی است که به دنبال صورت‌جدیدی از مفاهیم برای توصیف پدیده است که توانایی حکایت‌گری از پدیده را به سمت مطلوب یا غیر مطلوب دارد. به این جنس از مفاهیم، اوصاف تکاملی پدیده گفته می‌شود و به مدلی که بر اساس این مفاهیم، برای توصیف حرکت پدیده ایجاد می‌شود، مدل وصفی گویند. (پیروزمند ۱۳۹۰). اوصاف در تمامی مراحل پدیده حضور دارند و مشاهده ناپذیر هستند (بانک اطلاعات دفتر فرهنگستان علوم اسلامی ۱۳۹۰). لذا این دستگاه فکری برای امکان‌پذیر ساختن رصد تغییرات مدل وصفی در معماری، نیاز به مفاهیم مشاهده‌پذیر هم دارد تا بتواند به‌وسیله آن وضعیت موجود پدیده را بر اساس مدل وصفی یا نظام اوصاف اندازه‌گیری کند و بستر پیش‌بینی را برای تغییر پدیده در آینده بر اساس مدل مطلوب فراهم آورد. این جنس مفاهیم را موضوعات می‌نامیم و مدل آن همان مدل موضوعی است. مجموع مدل وصفی و مدل موضوعی، تحول پدیده را در اختیار قرار می‌دهند تا در عینت پیاده‌سازی شود. لذا مدل سوم، مدل عینی است. نظام اوصاف در یک پدیده در شرایط جغرافیایی مختلف شامل سه حوزه است:

۱- اوصاف مربوط به سیر تحول، علل و شرایط بیرونی پدیده (مانند حوزه قدرت: فرهنگ، اجتماع، سیاست و اقتصاد)

۲- اوصاف مربوط به ساختار و ابعاد درونی پدیده (فطری، ذهنی، فیزیکی)

۳- اوصاف مربوط به کارایی و پیامدها (ثمره حرکت) (جهانبخش ۱۳۹۵)

لازم به ذکر است که نسبت بین عوامل بیرونی یعنی حوزه‌های قدرت یک جامعه و تأثیر آن بر اوصاف درونی، باعث کارایی‌های متفاوت پدیده می‌شود که شاید این امر منتج به نسبی‌گرایی مطلق شود؛ بنابراین برای ایجاد معیار سنجش حق و باطل در نگرش تکاملی نوع جهت‌گیری اوصاف بیرونی اهمیت می‌یابد؛ یعنی



جهت‌گیری اوصاف بیرونی به سوی ساختار فطری، معیار حق بودن پدیده مورد بررسی است و فاصله گرفتن اوصاف بیرونی از ساختار فطری، معیار گرایش به باطل پدیده است و همین جهت‌گیری‌ها مدل را از نسبی‌گرایی مطلق خارج می‌سازد. به عبارتی الهی یا الحادی مدل وصفی (اوصاف سه‌گانه فوق) بر اساس نوع جهت‌گیری اوصاف بیرونی نسبت به اوصاف درونی پدیده‌ها مشخص می‌شود.

۲- پرسش‌های تحقیق

- 1- چگونه می‌توان یک اثر معماری را با تکیه بر تغییرات آن در طول زمان نقد نمود؟
- 2- آیا می‌توان معادله‌ای جهت کنترل تغییرات یک اثر معماری جهت هدایت آن به وضع مطلوب تنظیم کرد؟

۳- فرضیه تحقیق

به نظر می‌رسد با تکیه بر نگرش تکاملی و مدل وصفی ارائه شده توسط دستگاه فلسفی شدن اسلامی، می‌توان تغییرات یک اثر معماری را در طول زمان نقد کرد و برای هدایت تغییرات به وضعیت مطلوب معادله‌ای را تنظیم نمود.

۴- پیشینه تحقیق

از آنجاکه پژوهش حاضر بر موضوع نقد با تکیه بر رویکرد فلسفه شدن تمرکز دارد؛ توجه به دو نوع پیشینه در این پژوهش مدنظر است:

- ۱- پیشینه نقادی معماری، ۲- پیشینه فلسفه شدن در معماری

۴-۱. پیشینه نقادی معماری

مسئله نقد بالاخص نقد الهی (اسلامی-فطری) در معماری از موضوعاتی است که نظریه‌پردازی در این حوزه بسیار کم‌رنگ بوده است؛ چند پژوهشگر در این زمینه موضوعاتی را مورد توجه قرار داده‌اند که به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود:

حمیدرضا خویی در رساله دکتری خود با عنوان «نقد و شبه نقد تأملی در نقد آثار معماری»، معتقد است معیارهای نقد را باید با توجه به خود اثر انتخاب کرد؛ بنابراین در مورد هر اثری معیارها می‌تواند تغییر کند (خویی ۱۳۷۹). لازم به ذکر است این نوع نگرش در نقادی از آنجاکه بر تغییر معیارها تکیه می‌کند و قائل به

امور مشترک نیست؛ شناخت روند تغییرات و هدایت آن‌ها به سوی امر مطلوب را فراهم نمی‌کند. ایمان رئیسی در رساله دکتری خود با عنوان «نقش نقد در جهت‌دهی معماری معاصر ایران» و با انتشار دو کتاب «پشم و لگد» و «نقد بازی» اذعان می‌نماید که در نقد معماری نمی‌توان با یک دسته معیار مشخص و با تعدادی معیار ثابت، به نقد همه آثار معماری پرداخت، بلکه باید برای هر اثر، معیارهای خاص آن را تدوین کرد (رئسی ۱۳۸۶)؛ اما همواره باید اشاره نمود وقتی اثری نقد می‌شود؛ باید رابطه بین گذشته، حال و آینده آن مشخص باشد تا نقادی بتواند توصیه‌هایی برای بهبودی اثر داشته باشد. اینکه ادعا می‌شود نباید معیار ثابت را برای نقادی‌های مختلف در نظر گرفت زمانی صحیح است که با نگاه جزء گرایانه به نقد آثار پردازیم، در حالی معماری یک سامانه است و نمی‌توان با نگاه جزء گرایانه آن را نقد نمود و برای هدایت به وضع مطلوب نیاز به معیارهای ثابت داریم. محمدجواد مهدوی نژاد در مقاله «آموزش نقد معماری: تقویت خلاقیت دانشجویان با روش تحلیل همه‌جانبه آثار معماری» پنج رویکرد کلاسیک (نشانه‌شناسانه)، رمانتیک (ویژگی معمار)، فرمال (خود اثر)، زمینه‌ای (تحلیل بافت) و پدیدارشناسانه (ویژگی مخاطب) را به عنوان رویکردهای نقد معماری معرفی می‌نماید (مهدوی نژاد ۱۳۸۴) ایشان دیدگاه زمینه‌ای را مهم‌تر از همه تلقی کرده و سایر دیدگاه‌ها را در ذیل آن معرفی می‌نمایند. نکته مغفول مانده در این نوع تقسیم‌بندی دیدگاه فلسفی به معماری هست. بر اساس تقسیم‌بندی‌ای که ایشان انجام دادند، منتقدانی همچون نصر، بورکهارت، کوماروسوامی، اردلان و ... جایگاهی نخواهند داشت. لذا رویکرد فلسفی - حکمی به صورت یک دیدگاه جداگانه قابل بررسی خواهد بود. دیدگاه کلاسیک تا حدودی با بحث رمزگان و نشانه‌ها در ارتباط است ولی این نوع رویکرد بیشتر بر معناهای گسسته در اثر استوار است. به نظر می‌رسد در اکثر آثار منتقدان در حوزه معماری، نگاه جزء گرایانه سبب مغفول ماندن حقیقت‌هایی در سایر رویکردها هست، بنابراین نگاه سامانه‌ای و کلی به نقد می‌تواند این مشکل را برطرف سازد.



سید امیر منصوری در مقاله «ملاحظات در راه ترسیم روش نقد معماری به‌طور همه‌جانبه و با معیارهای روشن» نگاه کل‌گرا را الزام‌ناپذیر اثر معماری معرفی کردند، اما جایگاه دیدگاه فلسفی در دستگاه نقد ایشان مغفول مانده است (منصوری ۱۳۷۹). منوچهر مزینی نقد معماری را بر شش عامل ارزشیابی استوار ساخت: «محیط، مردم، امکانات، اندازه‌ها، نظم فضایی، کیفیات هنری و بصری» (مزینی ۱۳۷۶: ۱۵) به نظر می‌رسد ایشان نیز در نقد معماری رویکرد سامانه‌ای نداشته و پرداختن به مقوله فضا و فرم بیش از سایر موارد در نقدهای ایشان مشخص است؛ درحالی‌که مسائل بیرونی مانند اقتصاد، سیاست و ... بر تغییرات معماری تأثیرگذار هستند. کامران افشار نادری در نقد یک اثر معماری بیشتر بر ارزش‌های معمارانه تأکید می‌کند و نگاه تاریخی را صرفاً برای اطلاع وضع زمان اثر تأکید دارند (افشار نادری ۱۳۸۰: ۸۵) و تکامل تاریخی را بر نمی‌تابند.

۴-۲. پیشینه فلسفه شدن

فلسفه شدن اسلامی توسط سیدمنیرالدین حسینی الهاشمی بنیان‌گذار فرهنگستان علوم اسلامی قم، در سال ۱۳۵۹، بر پایه برداشتی خاص از سامان‌دهی رابطه حوزه و دانشگاه در پاسخ‌گویی به نیازهای دانش‌بنیان انقلاب اسلامی بنیان نهاده شد (دفتر فرهنگستان علوم اسلامی ۱۳۸۷: ۱۵). این مکتب با نظام فاعلیت (توضیح آن خواهد آمد) از معرفت‌شناسی تا روش‌شناسی و سازمان پژوهشی، سامانه‌ای جدید برای حل نیازهای دانش‌بنیان جامعه الهی پیشنهاد می‌کند. (دفتر فرهنگستان علوم اسلامی ۱۳۸۷: ۱۵). فلسفه شدن با نگاه سیستمی به‌نوعی «جهت‌داری» در فهم، علم و حتی پدیده‌های جهان باور دارد.

حمید پارسانیا نیز با تکیه بر نظام اراده‌ها همواره علم را جزئی از فرهنگ دانسته و همواره معتقد است دو انسان با اراده‌های مختلف در نظام هستی یک‌جور فهم نسبت به یک موضوع واحد نمی‌توانند داشته باشند (پارسانیا ۱۳۹۱: ۶۱) مزیدی، لهبی، زاهد زاهدانی و تقوی در مقاله «شناخت جایگاه علوم تربیتی در ارائه نظام نیاز و ارضا مبتنی بر فلسفه شدن اسلامی» نیازها را در ذیل فاعلیت

انسان معرفی نموده‌اند (مزیدی، لهبی، زاهد زاهدانی و تقوی ۱۳۹۸).

در حوزه معماری، پژوهشی که در ارتباط با رویکرد فلسفه شدن اسلامی صورت گرفته باشد صرفاً رساله دکتری عباس جهانبخش تحت عنوان «روش‌شناسی اسلامی نظریه‌پردازی معماری» است. ایشان با تکیه بر این رویکرد همواره روش تکاملی فلسفه شدن را به عنوان روش مناسب برای کل متغیر معرفی می‌نمایند (جهانبخش ۱۳۹۸: ۳۷) و آنچه پژوهش حاضر را با پژوهش انجام‌شده متفاوت می‌سازد این است که پژوهش حاضر سعی می‌نماید با ایجاد ارتباط بین نظام اوصاف معماری جهت ارزیابی معیار الهی در نقد آثار معماری را ارائه دهد و به عبارت واضح‌تر نظریه شدن در معماری را در نه‌تنها در بحث نظریه‌پردازی بلکه در نقد معماری و ارائه راه‌کارهای عملی جهت بهبود وضعیت محقق و خلق آثار معماری با ذکر مصداق (مصلی تهران) معرفی نماید.

۵- روش تحقیق

روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است که با رویکرد سیستمی و تکاملی به بررسی اجزای پژوهش می‌پردازد. توضیحاتی باید در مورد رویکرد تکاملی ارائه گردد: رویکرد تکاملی برخاسته از فلسفه شدن بوده و توسط فرهنگستان علوم اسلامی قم ارائه شده است. هدف این رویکرد، توضیح نحوه ارتباط منطقی منابع معرفتی «وحی، عقل و تجربه» در شناخت و هدایت تحولات یک پدیده به محوریت وحی است. این سه معرفت، بعد همدیگر هستند و رابطه بعدی، رابطه تقویمی خوانده می‌شود؛ به این معنی که بین این سه بعد، رابطه متقابل برقرار است و سهم تأثیر اصلی در نظام معرفت، با معارف و حیانی است (پیروزمند ۱۳۹۰).

بر این اساس رویکرد تکاملی نوعی روش سیستمی است که به دنبال صورت‌جدیدی از مفاهیم برای توصیف پدیده است که توانایی حکایت‌گری از پدیده را به سمت مطلوب یا غیر مطلوب دارد. به این جنس از مفاهیم، اوصاف تکاملی پدیده گفته می‌شود و به مدلی که بر اساس این مفاهیم، برای توصیف حرکت پدیده ایجاد می‌شود، مدل وصفی گویند. مدل وصفی یا همان نظام



اوصاف در دیروز و امروز و فردای پدیده یا مفهوم ثابت است (پیروزمند ۱۳۹۰).

اوصاف تکاملی لازم است که حضور بالاشاعه در تمامی پدیده داشته و به همین دلیل، مشاهده ناپذیر هستند. لذا این دستگاه فکری برای امکان پذیر ساختن رصد تغییرات مدل وصفی پدیده، استفاده از مفاهیم مشاهده پذیر را لازم می داند تا به وسیله آن ها بتوان وضعیت موجود پدیده را بر اساس مدل وصفی، شناسایی و اندازه گیری کرده و بستر گمانه زنی برای تغییر پدیده را بر اساس توصیفات مدل وصفی فراهم آورد که این جنس مفاهیم را مدل موضوعی می گوئیم (حسینی الهاشمی ۱۳۸۷: ۵۷).

مجموع مدل وصفی و مدل موضوعی، معادله تحول پدیده را در اختیار قرار می دهند تا این امکان پدید آید که توصیفات مدل وصفی را در عینیت پیاده سازی کرد که همان عینیت را مدل عینی گویند (حسینی الهاشمی ۱۳۸۷: ۵۷).

بر اساس مبانی روش تحقیق فوق، منطبق تکاملی به دنبال تغییر و تکامل سیستم به صورت کلی است. بر این اساس نظام اوصاف معماری در تمام مکاتب و در مقیاس های مختلف جغرافیایی در سه حوزه زیر قابل تبیین است:

- ۱- اوصاف مربوط به سیر تحول، علل و شرایط بیرونی حاکم بر معماری (قدرت): (حوزه قدرت: فرهنگ، اجتماع، سیاست و اقتصاد)
- ۲- اوصاف مربوط به ساختار و ابعاد درونی معماری (ساختار فطری، ذهنی و فیزیکی): (الهی، فلسفی و طبیعی)
- ۳- اوصاف مربوط به کارایی و پیامدها (ثمره حرکت): (عملکرد بناها)

که پژوهش حاضر سعی دارد با تکیه بر این اوصاف معادله تغییرات یک اثر معماری را با تکیه بر نوع فاعلیت هر یک از اوصاف تنظیم نماید.

۶- مبانی نظری

تبیین مفاهیم و مبانی نظری معماری مرتبط با فلسفه شدن

با توجه به تکرار برخی از واژه های کلیدی در پژوهش حاضر لازم است معانی برخی از این واژه ها تبیین گردد:

-کل متغیر: منظور از کل متغیر، یک کل سیستمی است که دارای عناصر و روابط درونی و بیرونی بوده و همواره در حال حرکت و تغییر است.

-اثر (معماری): اثر معماری ظرف زندگی است که محصول فرایند برنامه ریزی و طراحی است که عوامل مختلفی بر شکل گیری آن تأثیرگذار هستند؛ لذا اثر معماری یک کل یا نظام است که با تغییرات زمان، تغییر می کند. بر این اساس می توان آن را یک کل متغیر دانست.

-نقد: نقد به بررسی و ارزیابی هر چیزی اطلاق می شود و در مفهوم لغوی آن، تفکیک صحیح از غیر صحیح و خالص از ناخالص است؛ به عبارت دیگر، نقد به معنای محک زدن شیء و قرار دادن آن در دودسته سالم و ناسالم است؛ برای این امر نقد برای یک امر زمانمند و تاریخی مانند معماری زمانی موضوعیت پیدا می کند که بتوان بین گذشته و حال هر اثر معماری مقایسه تطبیقی انجام داد و بر این اساس با تکیه بر معیارهای مشخص و ثابت به امور صحیح و ناصحیح رسید و راه کاری را برای بهبود وضعیت آینده آن توصیه نمود (جهانبخش ۱۳۹۸: ۱۳).

-هویت مکان: بحث هویت یک بحث گسترده ای است که تفصیل آن در این پژوهش نمی گنجد؛ اما در حالت کلی هویت مکان را می توان معادل با حس مکان انسان دانست و بیان نمود که این درک از هویت یا حس مکان به طور دفعی رخ نمی دهد؛ بلکه طی زمان و فرآیندی به وسیله مخاطبین اثر شکل می گیرد؛ اما ابتدا باید معمار از طریق عوامل فیزیکی، فعالیت و معنا به عنوان مؤلفه های تشکیل دهنده، اقدامات لازم در راستای رسیدن به هویت مکان را انجام دهد (کاشی و بنیادی ۱۳۹۲: ۴۳)؛ یعنی معمار می تواند در مقام یک مخاطب با معیارهای مشخصی، اثر معماری را نقد نموده و جهت رساندن اثر معماری به هویت مشخص راه کارهایی را ارائه نماید. به عبارتی هویت صرفاً وابسته به مخاطب اثر نیست، بلکه یک دیالکتیکی است که بین مخاطبین و معماران در طول زمان رخ می دهد.

۶-۱. فلسفه شدن اسلامی



(میرباقری ۱۳۸۹: ۲۱). لذا در پژوهش حاضر در حوزه نقد آثار معماری، این حد موردبررسی و آزمون قرار می‌گیرد. این

فلسفه بداهت‌ها و اصولی دارد که در جدول ۱ آمده است

فلسفه شدن اسلامی، فلسفه‌ای کاربردی است که می‌تواند با توجه به تحلیل چپستی و چرایی پدیده‌های جهان، به انسان قدرت تسخیر و تحلیل چگونگی پدیده‌ها را بدهد. پیش‌بینی می‌شود که حد اولیه این فلسفه (اصالت فاعلیت) قابلیت ورود به عرصه عینیت و جاری شدن در ساختار علوم و مدل‌ها را داشته باشد جدول ۱. ساختار و اصول انکارناپذیر فلسفه نظام ولایت

اصول انکارناپذیر فلسفه نظام ولایت	ساختار فلسفه نظام ولایت
نسبت بین وحدت و کثرت، نسبت بین زمان و مکان، نسبت بین اختیار و آگاهی. (حسینی الهاشمی، ۱۳۸۶: ۲۱)	کل متغیر
تغایر، تغییر، هماهنگی (حسینی الهاشمی، ۱۳۸۶: ۲۱)	بداهت‌ها
«اصالت ربط در تعریف تعین کثرت»، «اصالت تعلق در تعریف ربط» و «اصالت فاعلیت در تعریف تعلق». (حسینی الهاشمی، ۱۳۸۶: ۲۱)	عوامل هماهنگی یک کل متغیر

این نوع جهت‌گیری باعث می‌شود نظام فاعلیت از نسبت‌گرایی مطلق خارج شود.

۶-۱-۱. تبیین نظام فاعلیت

فاعلیت یعنی قدرتی که توان شکستن تعین را داشته و به‌نوعی می‌تواند شیء را از وضعیت فعلی خود خارج و در وضعیت جدید قرار دهد. لذا یک فاعل دارای ذاتی غیر متعین است که به شکل مطلق تعین ندارد؛ بلکه به نسبت رابطه‌هایی که با سایر فاعل‌ها پیدا می‌کند، تعین می‌یابد که بدان فاعل متعلق نیز گویند؛ یعنی فاعل متعلق، به نسبتی، حاکم بر روابط و مناسبات درونی و بیرونی خویش است و می‌تواند روابط را برای وصول به کمال و توسعه بر اساس تعلق به یک قانون ثابت تغییر دهد. (میرباقری ۱۳۸۹: ۳۰). تعین مطلق بر تعین فاعلی حاکم نیست، اگرچه به لحاظ تأثیرپذیری از نظام فاعلیت از تعین نسبی برخوردار می‌شود.

به‌عنوان مثال معمار، یک فاعل متعلق محسوب می‌شود که تعین آن به‌واسطه روابطش با فاعل‌های دیگر شکل می‌گیرد و درنهایت خودش همراه سایر فاعل‌های تأثیرگذار و تأثیرپذیر در قالب یک نظام به نام نظام فاعلیت حرکت می‌کنند. نظام‌های فاعلیت با توجه به قلمرو مورد تحلیل و بررسی می‌توانند متفاوت باشند و یا در بطن خود خرده نظام‌هایی نیز داشته باشند. در معماری می‌توان چندین نظام فاعلیت را موردبررسی

قبل از بررسی اصول انکارناپذیر بایستی به بررسی حد اولیه این فلسفه پرداخت. برای تحلیل صحیح موضوعات، بایستی از یک حد اولیه کمک گرفت تا به عنوان یک مفهوم پایه در هماهنگ‌سازی کلیه تعاریف و احکام یک دستگاه فلسفی عمل نماید؛ نظیر مفهوم ماهیت یا وجود که حد اولیه اصالت وجود و اصالت ماهیت هستند و همه تعاریف وجودی و ماهوی بر محور آن‌ها هماهنگ شده و کلیت دستگاه این دو فلسفه، بر پایه این مفاهیم اولیه بنا نهاده می‌شود (مزیدی، لهبی، زاهدانی و تقوی ۱۳۹۸: ۴۳۶).

در دستگاه فلسفی شدن اسلامی، حد اولیه همان «اصالت فاعلیت» است؛ به این صورت که هر پدیده یا کل متغیر در مقام یک فاعل (به معنی ایجادکننده اثر و کیفیت) در نظام فاعلیت تحلیل می‌شود که دارای تأثیرگذاری و تأثیرپذیری از دیگر فاعل‌ها است.

بر این اساس نظام اوصاف یک کل متغیر بر اساس نوع فاعلیت و تأثیرگذاری پدیده‌های دیگر تغییر می‌کند. به عنوان نمونه اگر اوصاف بیرونی (فرهنگ، اجتماع، سیاست و اقتصاد) پدیده‌ای مانند معماری در جهت ساختار درونی فطری (نه صرفاً ذهنی و کالبدی) فاعلیت داشته باشند، زمینه الهی شدن کارایی آن پدیده یعنی معماری فراهم خواهد شد که در اسلام این جهت‌گیری با عقل و وحی تعریف می‌شود. (ر.ک: میرباقری ۱۳۸۹)



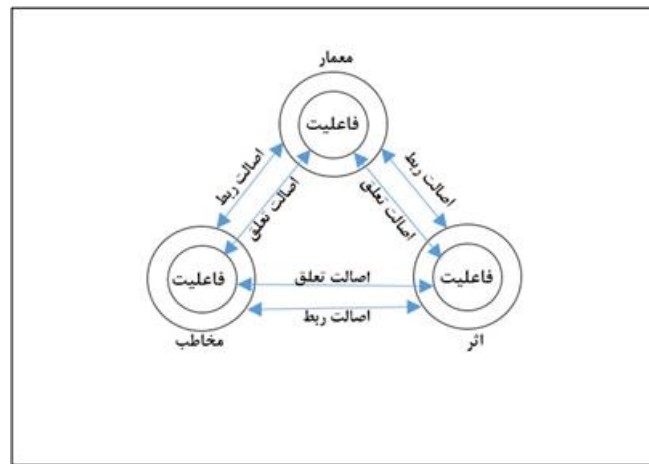
قرارداد و همه آن‌ها را تحت نظام فاعلیت معماری محسوب نمود. نظام فاعلیت فرآیند تولید اثر معماری (معمار، اثر و مخاطب)، نظام فاعلیت انواع معماری (خانه، مسجد و ...)، نظام فاعلیت فضای معماری (فضای عمومی، نیمه عمومی و خصوصی)، نظام فاعلیت زیبایی در معماری (زیبایی معنا، زیبایی هندسه، زیبایی فرم، زیبایی روابط) و ... همه این نظام‌ها به عنوان زیر نظام‌هایی هستند که می‌توانند در ذیل نظام فاعلیت معماری مورد بررسی قرار بگیرند و هر کدام می‌تواند یک پژوهش جداگانه باشد که پژوهش حاضر نظام فاعلیت اثر معماری را در نقد آن مورد مذاقه قرارداد است.

۶-۱-۲. نسبت کثرت و وحدت در کل

متغیر معماری و عوامل هماهنگ‌کننده آن

طبق تعاریف بیان شده از نظام فاعلیت می‌توان بیان نمود که اثر معماری نیز یک فاعل متعلق است و روابطش با فاعل‌های دیگر مانند معمار و مخاطب تعیین پیدا می‌کند؛ یعنی تعیین یک اثر معماری بر اساس رابطه و نسبیتی است که با مخاطب و معمار دارد. اگر مکان ساخت یک اثر معماری تغییر یابد، خاصیت و هویتش نیز تغییر

می‌کند؛ بنابراین تعیین اثر معماری به کیفیت خود اثر نیست بلکه به تعیین فاعل‌های مختلف است و تعیین فاعل‌ها در سیستم‌ها مختلف هستند (ر.ک: حسینی الهاشمی ۱۳۸۶)، این فرآیند تعیین پذیری همواره کثرتی را در معماری ایجاد می‌کند که فاعل‌های مختلف در این کل کثرت گونه یا بر هم تأثیر می‌گذارند یا از هم تأثیر می‌پذیرند؛ بنابراین بایستی یک وحدتی جهت انسجام بخشی به حرکت فاعل‌ها در این کثرت وجود داشته باشد. فلسفه شدن اسلامی سه موضوع «اصالت ربط در تعریف تعیین کثرت معماری»، «اصالت تعلق در تعریف ربط (نیازمندی)» و «اصالت فاعلیت در تعریف تعلق» را به عنوان اصول انکارناپذیر وحدت بخش یا هماهنگی کننده یک کل متغیر معرفی می‌کند و همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، اصالت فاعلیت را در این بین به عنوان حد اولیه و مفهوم پایه در هماهنگ‌سازی می‌شناسد. (ر.ک: جدول ۱) بر این اساس معمار، مخاطب و اثر معماری بر اساس نوع فاعلیتی که دارند، نسبت به هم تعلق پیدا کرده و این تعلق، رابطه بین معمار، مخاطب و اثر معماری را توصیف می‌کند.



شکل ۱. مراحل اجتناب ناپذیر و وحدت بخش در کل متغیر معماری

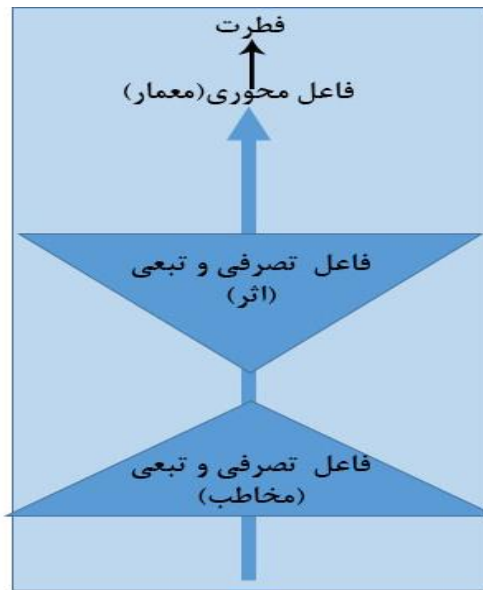
اساس می‌توان چنین بیان نمود که در نظام فاعلیت یک اثر معماری، خود معمار فاعل محوری محسوب شده و اثر معماری از آنجایی که می‌تواند بر مخاطب تصرف داشته باشد، فاعل تصرفی و مخاطب اثر، یک فاعل تبعی محسوب شود و از طرف دیگر چون حضور مخاطب در مکان در طول زمان بر فاعلیت اثر معماری تأثیرگذار است، خود مخاطب نیز فاعل تصرفی می‌تواند باشد.

تعلق؛ یک جاذبه بین فاعل‌هاست که کثرت معماری را به وحدت می‌رساند و می‌توان آن را مبدأ تحلیل نسبت در نظام فاعل‌ها دانست که بر اساس همین تعلق، فاعل‌ها به فاعل‌های محوری، تصرفی و تبعی قابل تقسیم‌بندی هستند. (میرباقری ۱۳۸۹) که کثرت فاعل‌ها بر محوریت فاعل برتر به وحدت و هماهنگی در جهت می‌رسند و این فاعل برتر همان اراده الهی است. بر این



محوری همان نیازهایی خواهند بود که در اثر تقاضا و فاعلیتِ فاعل‌های محوری از فاعل برتر ایجاد می‌شوند و ارضای این فاعل‌ها توسط فاعل برتر (اراده الهی) به معنی افزایش و توسعه نفوذ فاعل‌های محوری در فاعل‌های مادون یا فاعل‌های تصرفی خواهد بود.

(شکل ۲) و همه این فاعلیت‌ها اگر تحت فاعل برتر یعنی فطرت الهی قرار بگیرند، هماهنگی کثرت معماری جهت الهی پیدا خواهد کرد. قاعده ربط بین فاعل‌های مطرح‌شده به دلیل نیازمندی فاعل‌ها به یکدیگر است و ارضای این نیازها به‌نوعی ایجاد تعلق بین فاعل‌ها خواهد نمود؛ که از آن به عنوان اصل دوم انکارناپذیر «اصالت تعلق در عین ربط» یاد شده که اگر این نیازها درست ارضا شوند، نظام جهت مند و وحدت گونه را ارائه خواهند داد. بر این اساس نیازهای



شکل ۲. جایگاه معمار، اثر معماری و مخاطب در نظام فاعلیت معماری

معماری و سایر فاعل‌های مرتبط ایجادشده است و ارضای این نیازهای جدید توسط فاعل‌های محوری سبب دوباره افزایش تعلق و اشتداد مکانی می‌شود. درحالی‌که در شهرسازی شطرنجی مدرن به علت تعلق زمانی معمار و اوصاف بیرونی بر مؤلفه‌های ذهنی به‌جای فطرت، توسعه زمانی و مکانی آثار معماری به علت عدم وجود اصالت ربط بین آثار، یک توسعه کثرت گونه بدون اشتداد و تعلق است.

۷- مطالعات و بررسی‌ها

۷-۱. تبیین مدل وصفی (نظام اوصاف) در نظام فاعلیت

یکی از مباحث مهم در تبیین نظام اوصاف معماری مقیاس اشتداد مکانی یا میزان تصرف جغرافیایی اثر

۶-۱-۳. زمان و مکان در نظام فاعلیت معماری

زمان در دستگاه فلسفه شدن اسلامی عبارت است از تکامل ربط و تقاضای یک فاعل نسبت به فاعل برتر (ربوبیت الهی) که مبدأ توسعه اوست. مکان نیز عبارت است از میزان گستره تصرف یک فاعل در فاعل‌های مادون. بر این اساس یک فاعل در تقویم با سایر فاعل‌ها، تعیین «جای» و «گاه» را در نظام ساختاری و زمانی پیدا می‌کند. (دفتر فرهنگستان علوم اسلامی، ۱۳۸۷: ۳۱).

گسترش شهر اسلامی در گذشته به‌نوعی مدعای این نظریه بوده است که افزایش تعلق زمانی آثار معماری و اوصاف بیرونی معماری به فطرت به عنوان یک فاعل برتر، به‌نوعی توسعه مکانی را به وجود آورده است که به تبع این توسعه، نیازهای جدیدتر و متکامل‌تر در آثار



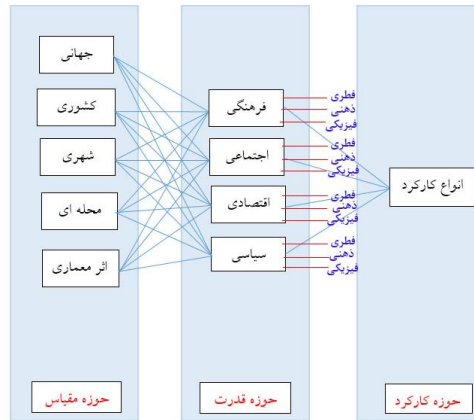
معماری بر مخاطبین آن است. یک اثر معماری می‌تواند از لحاظ مقیاس جغرافیایی در پنج نظام جهانی، کشوری، شهری، محله‌ای و یا محدوده خود اثر، بر مخاطبین خود تصرف داشته باشد یا مخاطبین بدان تعلق داشته باشند. به نظر می‌رسد هر چه مقیاس جغرافیایی بزرگ باشد، از اشتداد مکانی اثر معماری کاسته می‌شود؛ به‌عنوان مثال تعلق مردم یک محله به یک مسجد محله‌ای بیشتر از تعلق مردم آن شهر نسبت به همان مسجد خواهد بود؛ اما برخی آثار معماری به دلیل فاعلیت بالای ساختاری، مقیاس تصرف بالاتری دارند؛ به عنوان نمونه مسجد شیخ لطف‌الله دارای یک اشتداد مکانی کشوری یا حتی جهانی است؛ به عبارتی تعلق کنیری از مردم در سطح کشور یا جهان به آن صورت گرفته است.؛ بنابراین قبل از بیان نظام اوصاف باید میزان اشتداد مکانی یک اثر معماری تا حدودی سنجیده شود.

در نظام فاعلیت معماری همان‌طور که قبلاً بدان اشاره شد؛ نظام اوصاف بیرونی به عنوان فاعل‌های مؤثر و محوری در جهت‌دهی به معمار نقش مهمی دارند و اوصاف درونی که شامل نظام‌های فیزیکی، ذهنی و فطری هستند؛ نوع جهت‌گیری‌ها را مشخص می‌کنند. میزان الهی سازی یک اثر معماری در سیستم فیزیکی، کم و در سیستم فطری زیاد است و اوصاف سوم مربوط به کارکرد و عملکرد بناها است. لازم به ذکر است که نوع عملکرد اثر معماری در جهت‌گیری آن نقش مهمی دارد؛ به‌عنوان مثال اراده الهی سازی در یک اثر مذهبی از یک مرکز ورزشی یا تجاری بیشتر است؛ بنابراین تفکیک عملکردها نیز در نظام فاعلیت معماری بسیار اهمیت دارد.

اوصاف بیرونی بر اساس نوع جهت‌گیری به یکی از اوصاف درونی (فطری، ذهنی و فیزیکی)، نظام الهی یا غیر الهی را ایجاد خواهد کرد. (شکل ۳) بنابراین تفاوت آثار در تولید یک سیستم جدید نیست. بلکه بر اساس تغییر اولویت‌های حوزه قدرت (اوصاف بیرونی) و تغییر مقیاس‌های جغرافیایی اثر است و بر این اساس برای نقد الهی یک اثر معماری بایستی بتوان اولویت فاعل‌ها در

نظام‌ها را شناسایی نمود. لازم به ذکر است که در نقد هر اثر معماری در طول تاریخ بایستی اوصاف بیرونی یعنی حوزه قدرت آن دوره و جهت‌گیری آن مورد بررسی قرار گیرد؛ لذا بررسی توسعه زمانی (میزان تعلق) و مکانی (میزان تصرف) در کل متغیر معماری با اوصاف حوزه قدرت، ساختار درونی و کارکرد بررسی می‌شوند که اوصاف حوزه قدرت بر اساس نوع جهت‌گیری به سه وصف ساختاری (فطری، ذهنی و فیزیکی) (کالبدی- اقلیمی))، اوصاف کارکرد یک اثر معماری و حتی نوع فاعلیت جغرافیایی اثر را تعیین خواهد کرد که کل این اوصاف باهم یک مدل وصفی ارائه خواهند داد که بر اساس آن می‌توان مدل موضوعی و عینی یک اثر معماری را شکل داد؛ بنابراین در شدن معماری، در بدترین شرایط جهت‌گیری غیر مطلوب، نیز امکان نزدیک شدن به وضعیت مطلوب در آینده وجود دارد. در نگاه علیتی معمولاً ابتدا باید زیرساخت‌های تحقق یک اثر الهی فراهم شود تا توصیف جدیدی برای معماری شکل گیرد و آن را مطلوب سازد که این امر تقریباً بسیار زمان بر و حتی بعضاً غیرممکن خواهد بود. درحالی‌که فلسفه شدن و نظام فاعلیت این امکان را به ما می‌دهد که بر اساس معادله تغییرات معماری آثاری را که از جهت‌گیری فطری برخوردار نیستند در همان وضع موجود بر اساس طبقه‌بندی اولویت‌ها به جهت‌گیری فطری نزدیک نمود. با توجه به مطالبی که ارائه شد، فلسفه شدن مبتنی بر نظام فاعلیت، می‌تواند معادلات تغییر یک کل متغیر را تنظیم نماید به طوری که تکامل تغییر آن را پیش‌بینی کند. نقد الهیاتی معماری با این رویکرد نظریه‌ای جدیدی را ارائه می‌دهد که می‌توان از آن به عنوان نظریه شدن در معماری نام برد که این شدن با تکیه بر نظام اوصاف یا مدل وصفی جهت الهی یا الحادی پیدا می‌کند که جهت‌گیری اوصاف بیرونی معماری (حوزه‌های قدرت) به یکی از ساختارهای درونی، کارکرد متفاوتی را ارائه خواهد نمود و مدل‌های موضوعی و عینی حاصله از مدل وصفی در همان جهت قرار خواهند گرفت.





شکل ۳. مدل وصفی معماری با تکیه بر نظام فاعلیت

۸- یافته‌های تحقیق

اما مسجد یک محله در سطح محله هویت مکانی بیشتری نسبت به مقیاس شهر، کشور و ... خواهد داشت؛ بنابراین هر چه مقیاس فاعلیت یک اثر معماری افزایش یابد، بایستی جهت مداری مدل وصفی آن نسبت به مدل وصفی مطلوب (مبتنی بر فطرت) افزایش یابد و زمانی که این ضرایب مبتنی بر محوریت فطرت نباشد، فاعلیت اثر از نظام الهی فاصله گرفته و مکان به جای هویت دار شدن به سوی بی‌هویتی اشتداد پیدا خواهد کرد. (شکل ۴)

با توجه به مطالب بیان شده می‌توان معادله‌ای تنظیم نمود که میزان جهت‌گیری الهی تغییرات نظام معماری را بررسی نماید؛ بر اساس این معادله (شکل ۴) هر چه مقیاس فاعلیت جغرافیایی یک اثر معماری بزرگ‌تر شود، اشتداد مکانی یا هویت مکانی اثر در آن مقیاس کاهش خواهد یافت؛ مگر آنکه ضریب‌های مؤثر در مدل وصفی با محوریت فطرت و وحی الهی آن قدر بالا باشد که بتواند این کاهش اشتداد را جبران نماید. به‌عنوان مثال هویت کعبه (خانه خدا) در یک مقیاس جهانی مطرح است و علت این امر ضریب بسیار بالای مدل وصفی آن است؛

$$\text{هویت و شدن اثر معماری} = \left\{ \begin{array}{l} \text{مدل موضوعی و عینی} \\ \text{نظام جغرافیایی} \end{array} \right\} \times \text{مدل وصفی (اوصاف قدرت} \times \text{اوصاف ساختار (فاعلیت محوری فطرت)} \times \text{اوصاف کارکرد)}$$

شکل ۴. معادله نقد تغییرات هویت مکانی اثر معماری مبتنی بر نظام فاعلیت فلسفه شدن اسلامی

۳- تحلیل مدل‌های عینی و موضوعی وضع موجود بنای مورد نقد

۴- استخراج مدل وصفی وضع موجود

۵- مقایسه مدل وصفی وضعیت موجود با مدل وصفی مطلوب

۶- ارائه مدل‌های عینی و ذهنی جدید جهت نزدیک کردن وضعیت موجود به وضعیت مطلوب

بر اساس موارد بیان شده مراحل زیر در نقادی یک اثر معماری مورد توجه باشد:

۱- تبیین فاعلیت‌های سه‌گانه (قدرت، ساختار و کارکرد) در «مدل وصفی مطلوب» بنای مورد نقد به عنوان معیار ثابت الهی و فطری در نقادی

۲- تبیین فاعلیت مقیاس جغرافیایی اثر با تکیه بر مدل وصفی مطلوب؛ اینکه مدل مطلوب چه مقیاسی را برای اثر معماری پیشنهاد می‌دهد



پژوهش حاضر برای روشن شدن بحث بنای مصلی تهران را به عنوان نمونه موردی مورد نقد قرار داده است. جدول ۲ برخی از مدل‌های مطلوب معماری مصلی را از منابع مختلف بیان نموده است. با توجه به مدل مطلوب در جدول ۲، می‌توان میزان قرب و بُعد مدل‌های عینی، موضوعی و وصفی بنای موجود مصلی تهران را به مدل مطلوب بررسی نمود. در این راستا نقش فاعلیت هر مدل در سیستم‌های حوزه قدرت بررسی خواهد شد. با توجه به اینکه مصلی تهران صرفاً یک مصلی نیست؛ بلکه یک مجموعه فرهنگی، عبادی، سیاسی است، بایستی فاعلیت‌های مختلف کارکردی آن در دو حوزه مورد نقادی قرار بگیرد؛ یعنی در یک مرحله بایستی نسبت قرب به وضعیت مطلوب مجموعه فرهنگی - عبادی و در مرحله دیگر نسبت قرب با کارکرد خود مصلی مدنظر باشد و بر اساس میزان این قرابت به کمک اراده‌هایی که بر تغییر معماری مؤثر هستند؛ می‌توان راه‌کارهایی را جهت تغییر از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب در هر دو حوزه (مجموعه‌ای و منفردی (مصلی)) پیشنهاد نمود.

جدول ۳ تصاویر مختلفی از مصلی تهران را ارائه می‌نماید که در جدول ۴ با ارجاع به این تصاویر مدل‌های عینی مختلف مصلی تهران مورد آسیب‌شناسی و شناخت قرار گرفته است که به تبع آن مدل موضوعی از درون مدل‌های عینی استخراج شده و مدل وصفی موجود تبیین می‌گردد. مدل وصفی‌ای که در جدول ۴ تفسیر می‌شود، همان ارزش‌یابی و نقادی مصلی تهران است که در جدول ۵ بر اساس معادله تغییرات با توجه نقد صورت گرفته پیشنهادهایی جهت قرب به وضعیت مطلوب ارائه می‌گردد. در این راستا باید مدل‌هایی را که تأثیر اراده در آن‌ها برای الهی سازی بیشتر است در اولویت قرار بگیرند و شروع تغییرات را از آن‌ها باید اعمال نمود و از طرفی مشخص کردن حوزه قدرتی که می‌تواند متولی تغییرات باشد، در قرب به وضعیت مطلوب نقش مهمی خواهد داشت؛ البته این راه‌کارها می‌تواند به صورت تکمیل‌تری در پژوهش‌های آتی نیز مورد بررسی قرار گیرد.

جدول ۲. استخراج مدل‌های مطلوب وصفی، ذهنی و عینی مصلی

مدل عینی مطلوب مصلی	مدل موضوعی مطلوب مصلی	مدل وصفی مطلوب کارکرد مصلی	فاعلیت محوری حوزه قدرت
(۱) خارج از شهر بودن مصلی (مهدوی نژاد، حمزه نژاد و کامیاب ۱۳۹۱)، فضای باز و خروج به صحرا	ایجاد فضایی غیر محصور	ذکر بازگشت به خدا و جدا شدن از تعلقات زندگی (مهدوی نژاد، حمزه نژاد و کامیاب ۱۳۹۱) (یادآور روز قیامت)	اجتماعی - عبادی
(۲) پرهیز از فضای سقف دار (مجلسی ۱۴۱۴، ج ۵: ۲۵۲)	ایجاد ارتباط بصری نمازگزار با آسمان	احساس حضور بی واسطه نمازگزار با خداوند (حمزه نژاد، سعادت جو و رضائی ۱۳۹۱)	فرهنگی - عبادی
(۳) نماز بر روی خاک، زمین و ... (مجلسی ۱۴۱۴، ج ۵: ۲۵۲)	ایجاد ارتباط نمازگزار با زمین بکر و طبیعی	احساس عجز در برابر خدا	فرهنگی - عبادی
(۴) سادگی محل خطبه (مجلسی ۱۴۱۴، ج ۵: ۲۵۴)	عدم شاخصیت مکانی محل خطبه	تاکید بر برابری و عدالت	اجتماعی - سیاسی
(۵) تفاوت مسیر رفت و برگشت (مجلسی ۱۴۱۴، ج ۵: ۲۵۸)	عدم هدایت اجباری، طی مسیر پیاده روی	سلوک الهی افزایش رزق و روزی (مهدوی نژاد، حمزه نژاد و کامیاب ۱۳۹۱)	فرهنگی - عبادی اقتصادی - عبادی
(۶) ضرورت حائل و سترو (مجلسی ۱۴۱۴، ج ۵: ۲۵۸)	ایجاد تمرکز فضای نمازگزار با نگاه سلیبی به عناصر معماری اطراف	حس و درک حضور نمازگزار	فرهنگی - عبادی
(۷) عدم ساخت و ساز در مصلی (مهدوی نژاد، حمزه نژاد و کامیاب ۱۳۹۱)	تمرکز بر کارکرد و سادگی و نگاه انفسی فضا	افزایش حس حضور	فرهنگی - عبادی



جدول ۳. تصاویر مرتبط با مصلی تهران ارجاع داده شده در جدول ۴

 <p>شکل ۱. تصویر هوایی (google map)</p>	 <p>شکل ۲. مسجد جامع مصلی (Url 1)</p>
 <p>شکل ۳. پلان فضاهای جانبی مصلی تهران (Url 2)</p>	 <p>شکل ۴. وسعت کلی مصلی (Url 2)</p>
 <p>شکل ۵. بخش توسعه مصلی</p>	 <p>شکل ۶. فضاهای پراکنده در هم تنیده (Url 2)</p>
 <p>شکل ۷. طاق عظیم مقابل مسجد جامع (Url 3)</p>	 <p>شکل ۸. طاق‌های نیمداره در دو جبهه وسیع مصلی (Url 4)</p>
 <p>شکل ۹. شباهت ترکیب مجموعه‌های مختلف با کاخ‌های هخامنشی (حمزه نژاد، سعادت جو و رضانی ۱۳۹۲)</p>	 <p>شکل ۱۰. شباهت ترکیب مجموعه‌های مختلف با کلیسا (Url 5)</p>
 <p>شکل ۱۱. چند نمونه از پله‌های مصلی تهران در فضاهای مختلف (Url 6)</p>	 <p>شکل ۱۲. گنبد خانه مسجد جامع (Url 7)</p>



جدول ۴. تبیین مرحله آسیب‌شناسی و نظم‌بخشی و نقادی مصلی تهران با تکیه بر استخراج مدل وصفی از مدل‌های عینی و موضوعی

مدل عینی وضع موجود	مدل موضوعی وضع موجود	مدل وصفی وضع موجود
مدل (الف) محدود بودن کل ساختار مصلی به بزرگراه‌ها و خیابان‌های اصلی (شکل ۱)	نوعی استقلال مکانی شهرک گونه مجتمع	فرهنگی: کاهش توسعه زمانی مخاطبین محله‌ای اقتصادی: کاهش رونق اقتصادی محله اجتماعی: عدم تعامل با سیستم‌های موجود و کاهش توسعه مکانی مخاطب سیاسی: تبیین راهبردهای جزیره گونه در حل مسائل مجموعه
		مدل (ب) ساختار گسسته مسجد جامع از ساختار کلی بنا (شکل ۲)
مدل (ج) وجود فضاهای فرهنگی مانند کتابخانه، نمایشگاه، مدارس علوم دینی، سمینار، چاپخانه و ... (شکل ۳)	گسترش فضاهای فرهنگی در کنار فضای عبادی	فرهنگی: توسعه زمانی مکان‌های مذهبی (آگاهی رسانی) اجتماعی: اشتداد مکانی و تعامل مخاطبین در طیف‌های مختلف سیاسی: تبیین راهبردهایی جهت افزایش خدمت رسانی به مخاطبین اقتصادی: رونق اقتصادی (تأمین بودجه خودگردان مجموعه)
		مدل (د) گسستگی فضاهای مختلف مجموعه مصلی (شکل ۳)
مدل (ه) وجود مراکز تجاری و درمانی و ... در مجموعه (شکل ۳)	گسترش فضاهای تجاری در کنار فضای عبادی	فرهنگی: کاهش توسعه زمانی فضای عبادی و افزایش توسعه زمانی تجاری اجتماعی: کشش و جذب مخاطبین به سمت این مراکز سیاسی: تبیین راهبردهای تأمین عرضه برای تقاضاهای جدید مخاطبین و رشد این فضاها اقتصادی: رونق اقتصادی (تأمین بودجه خودگردان مجموعه)
		مدل (خ) ابعاد و وسعت بزرگ مجموعه مصلی (شکل ۴)



<p>فرهنگی: افزایش توسعه زمانی مخاطبین در طول زمان اجتماعی: افزایش توسعه مکانی مجموعه بواسطه رشد و تغییرات مجموعه سیاسی: امکان تبیین راهبردهای آینده نگرانه اقتصادی: رونق اقتصادی مجموعه بواسطه رشد مجموعه</p>	<p>توسعه فضاهای مختلف در زمان</p>	<p>مدل (ر) عدم قائل شدن حریم برای مجموعه (شکل ۵)</p>
<p>فرهنگی: کاهش توسعه زمانی فضاهای عبادی به علت عدم درک حضور و حفظ حضور و مخدوش شدن ادراک وحدت گونه مجموعه و ایجاد برخی ناهنجاریها اجتماعی: کاهش اشتداد مکانی بواسطه کاهش امنیت مجموعه سیاسی: تبیین راهبردهای اجرایی جهت افزایش نیروهای امنیتی در مجموعه اقتصادی: صرف هزینه جهت کنترل امنیت مجموعه بواسطه (نیروهای انسانی و تکنولوژی‌های مختلف)</p>	<p>افزایش سیر گردشی و آفاقی در مجموعه و تمرکز بر نظم بیرونی</p>	<p>مدل (ط) وسعت پراکنده و فضاهای در هم تنیده مجموعه (شکل ۶)</p>
<p>فرهنگی: کاهش توسعه زمانی بواسطه عدم رعایت قاعده نفی سبیل در مجموعه مذهبی اجتماعی: کاهش اشتداد مکانی اسلامی و افزایش اشتداد مکانی ایرانی سیاسی: تبیین راهبردهای توریستی جهت بازدید طاق بسیار عظیم اقتصادی: صرف هزینه هنگفت صرفاً جهت ساخت یک نماد</p>	<p>الگو برداری از معماری ایرانی مشابه کاخ مدائن (حمزه نژاد، سعادت جو و رضانی ۱۳۹۲)</p>	<p>مدل (ک) وجود طاق عظیم گسسته مقابل گنبد (شکل ۷)</p>
<p>فرهنگی: کاهش توسعه زمانی بواسطه عدم رعایت قاعده نفی سبیل در مجموعه مذهبی اجتماعی: کاهش اشتداد مکانی اسلامی و افزایش اشتداد مکانی ایرانی - رومی سیاسی: - - اقتصادی: صرف هزینه هنگفت صرفاً جهت ساخت یک نماد بدون کارکرد</p>	<p>الگو برداری از معماری غیر اسلامی، افزایش چرخش بصری (نگاه آفاقی) و کاهش فاعلیت ۲ ایوانی ساختار</p>	<p>مدل (گ) وجود طاق‌های نیم دایره به صورت گسترده در دو جبهه شرقی و غربی (شکل ۸)</p>
<p>فرهنگی: کاهش توسعه زمانی بواسطه عدم رعایت قاعده نفی سبیل در مجموعه مذهبی اجتماعی: کاهش اشتداد مکانی اسلامی و افزایش اشتداد مکانی ایرانی و عدم خوانایی کل ساختار مجموعه سیاسی: تبیین راهبردهای اجرایی جهت افزایش وحدت مجموعه (امنیتی، اطلاع رسانی و ...) اقتصادی: صرف هزینه بالای بهره وری و تنظیم شرایط محیطی مجموعه</p>	<p>الگو برداری از معماری ایرانی، شبیه سازی کاخ‌های ساسانی و هخامنشی (حمزه نژاد، سعادت جو و رضانی ۱۳۹۲)</p>	<p>مدل (ز) نوع ترکیب مجموعه‌های مختلف حیاط دار مجموعه و نحوه انسجام (شکل ۹)</p>
<p>فرهنگی: کاهش توسعه زمانی بواسطه عدم رعایت قاعده نفی سبیل در مجموعه مذهبی اجتماعی: کاهش اشتداد مکانی اسلامی و افزایش اشتداد مکانی غربی سیاسی: تبیین راهبردهای توریستی جهت بازدید مجموعه اقتصادی: صرف هزینه بالای ساخت گنبد و نگهداری مجموعه</p>	<p>شبیه سازی کلیساهای دوران رومانسک و گوتیک، برون گرایی و افزایش نگاه آفاقی</p>	<p>مدل (ن) وجود مناره‌های بلند، فضای عظیم گنبد خانه بیرون زده، وجود پشت بندهای بیرون زده در ساخت مسجد جامع (شکل ۱۰)</p>
<p>فرهنگی: کاهش توسعه زمانی بواسطه عدم رعایت سلسله مراتب ورودی و</p>		<p>مدل (ع)</p>



وجود درب‌های متنوع از جوانب مختلف مجموعه	عدم خوانایی سیر کولاسیون ورودی و خروجی	خروجی اجتماعی: کاهش اشتداد مکانی در ورود و خروج از فضاهای عبادی و ایجاد سردرگمی سیاسی: امکان تبیین راهبردهای کنترل جمعیتی و امنیتی اقتصادی: افزایش هزینه‌های کنترل ورود و خروج
مدل (غ) اختلاف سطوح بسیار زیاد در مجموعه و مسیرهای پله‌ای در طول هدایت به فضاهای مختلف (شکل ۱۱)	افزایش سیر گردش و آفاقی در مجموعه و تمرکز بر نظم بیرونی	فرهنگی: کاهش توسعه زمانی فضاهای عبادی به علت عدم درک حضور و حفظ حضور و مخدوش شدن ادراک وحدت گونه مجموعه و ایجاد برخی ناهنجاریها اجتماعی: کاهش اشتداد مکانی بواسطه کاهش امنیت مجموعه سیاسی: تبیین راهبردهای اجرایی جهت افزایش نیروهای امنیتی در مجموعه اقتصادی: صرف هزینه جهت کنترل امنیت مجموعه بواسطه (نیروهای انسانی و تکنولوژی‌های مختلف)
مدل (ی) حذف فرم مربع شکل از فضای گنبد خانه (شکل ۱۲)	برون گرایی و شبیه سازی به یک آسمان نما یا رصد خانه	فرهنگی: کاهش توسعه زمانی بواسطه سیر چرخشی پلان و عدم درک حضور اجتماعی: کاهش اشتداد مکانی اسلامی سیاسی: تبیین راهبردهای توریستی جهت بازدید فضای گنبدخانه اقتصادی: صرف هزینه هنگفت ساخت

جدول ۵. تبیین مرحله ارزش‌یابی و داوری و ارائه راه‌کارهای پیشنهادی بر اساس قیاس وضع موجود با وضع مطلوب با تکیه بر معادله تغییرات

مدل عینی	تحلیل در دو نظام فاعلیت مصلی و مجموعه	تأثیر اراده تغییر	پیشنهاد تغییرات از وضع موجود به سوی وضع مطلوب (هویت مکانی شدن)
مدل (الف)	کارکرد مصلی	نزدیک به صفر	با توجه به اینکه مجموعه در دل شهر ساخته شده است، در این مدل امکان تغییر وجود ندارد
	کارکرد عبادی - فرهنگی	بسیار کم اراده مؤثر: اجتماعی	اشتداد مکانی (اجتماعی) و زمانی (فرهنگی) مبتنی بر فطرت مجموعه باعث ایجاد فاعلیت کارکردی خواهد شد
مدل (ب)	کارکرد مصلی	کم	شاخص کردن حیاط باز مرکزی مقابل مسجد به عنوان فضای باز برای برگزاری نماز اعیاد حذف آب نما
	کارکرد عبادی - فرهنگی	کم اراده مؤثر: اجتماعی	ایجاد ربط بین مسجد جامع با کل مجموعه بواسطه شاخص دهی الگوی چلیپا و تاکید بر محور قبله
مدل (ج)	کارکرد مصلی	نزدیک به صفر	امکان حذف فضاهای فرهنگی از مجموعه وجود ندارد. چرا که مجموعه ساختار عبادی - فرهنگی است.
	کارکرد عبادی - فرهنگی	زیاد اراده مؤثر: فرهنگی	فضاهای فرهنگی اگر در ذیل فضاهای عبادی و به عنوان فاعل‌های تصرفی مجموعه عمل کنند تأثیر زیادی در شدن مجموعه خواهند داشت



امکان حذف فضاهای جانبی از مجموعه وجود ندارد. چرا که مجموعه ساختار مرکب است.	نزدیک به صفر	مغایر با مدل مطلوب (۲) و (۷)	کارکرد مصلی	مدل (د)
رعایت سلسله مراتب کارکردی فاعلیت ها بر این اساس که فاعل‌های تصرفی یعنی فضاهای فرهنگی تحت تصرف عینی فضاهای عبادی باشند و فضاهای دیگر به عنوان فضاهای تبعی در ساختار عینی این فضاها منحل شوند و به صورت فضاهای جداگانه بخش مجزایی از سایت مجموعه را در بر نگیرند (افزایش تناوب سیستم بر اساس فاعلیت قدرت‌ها)	زیاد اراده مؤثر: اجتماعی	کاهش فاعلیت ها بر اساس نظام قدرت	کارکرد عبادی - فرهنگی	
امکان حذف فضاهای جانبی از مجموعه وجود ندارد. چرا که مجموعه ساختار مرکب است.	نزدیک به صفر	مغایر با مدل مطلوب (۶) و (۷)	کارکرد مصلی	مدل (ه)
منحل شدن فضاهای تجاری در مدل عینی فضاهای فرهنگی و تنظیم مسیر حرکتی فضاهای فرهنگی و تجاری به صورت ادغامی، بهره گرفتن از فضاهای تجاری ضروری در مجموعه، منحل کردن کل ساختار فرهنگی - اقتصادی در ذیل مراکز عبادی با تدابیر معمارانه (ارتفاع، رنگ، سیرکولاسیون و ...)	زیاد اراده مؤثر: اقتصادی	کاهش فاعلیت محوری مراکز عبادی	کارکرد عبادی - فرهنگی	
شاخص کردن مسیرهای رفت و برگشت مصلی بواسطه تدابیر معمارانه (اختلاف سطح، رنگ، المان و ...)	زیاد	مغایر با مدل مطلوب (۵) و (۷)	کارکرد مصلی	مدل (خ)
تعدیل ارتفاع بواسطه ایجاد حریم‌های متحرک در فضای باز مسدود کردن پله‌های راستای قبله و ایجاد مسیرهای هم سطح با حیاط مرکزی امکان کاهش ارتفاع و کوچک کردن فضاها تقریباً وجود ندارد. حتی الامکان باید جلوی اجاره دادن فضاها گرفته شود	نزدیک به صفر اراده مؤثر: اجتماعی	کاهش قاعده ربطی مخاطبین با مجموعه	کارکرد عبادی - فرهنگی	
امکان حذف فضاهای جانبی از مجموعه وجود ندارد. چرا که مجموعه ساختار مرکب است.	نزدیک به صفر	مغایر با مدل مطلوب (۷)	کارکرد مصلی	مدل (ر)
توسعه فضاهای مرتبط با فاعلیت محوری (عبادی) و تصرفی (فرهنگی) رعایت سلسله مراتب فاعلیت کارکردی در مدل عینی و ذهنی فاعلیت ها	زیاد اراده مؤثر: سیاسی	افزایش فاعلیت ها	کارکرد عبادی - فرهنگی	
امکان حذف فضاهای جانبی از مجموعه وجود ندارد. چرا که مجموعه ساختار مرکب است.	نزدیک به صفر	مغایر با مدل مطلوب (۲) و (۵) و (۷)	کارکرد مصلی	مدل (ط)
مسدود کردن فضا و مسیرهای ناخوانا و نا امن در مجموعه، سوق دادن عملکردهای اداری به فضاهای غیر خوانا و در هم تنیده، تبیین راه کارهای معمارانه جهت شخصیت بخشی به مسیرهای خوانا جهت هدایت کردن به فضاهای عبادی	بسیار کم اراده مؤثر: اجتماعی	کاهش قاعده ربطی مخاطبین با مجموعه	کارکرد عبادی - فرهنگی	
با توجه به اینکه این طاق ساخته شده است، امکان حذف آن تقریباً ممکن نیست	نزدیک به صفر	مغایر با مدل مطلوب (۷)	کارکرد مصلی	مدل (ک)
بهره گیری از تزئینات معماری اسلامی با مرتبه وجودی قوی در پوشش طاق جهت نزدیک کردن معماری اسلامی	کم اراده مؤثر: فرهنگی	کاهش فاعلیت اسلامی مسجد جامع	کارکرد عبادی - فرهنگی	
با توجه به اینکه این طاق‌ها ساخته شده است، امکان حذف آن تقریباً	نزدیک	مغایر با مدل	کارکرد	



مدل (گ)	مصلی	مطلوب (۷)	به صفر	ممکن نیست
	کارکرد عبادی - فرهنگی	کاهش فاعلیت حیات مرکزی عبادی و محور دو ایوانی	کم اراده مؤثر: فرهنگی	گنجاندن طاق‌های نیم دایره در داخل پوشش سقفی مسطح
مدل (ز)	کارکرد عبادی - فرهنگی	کاهش قاعده ربطی مخاطبین با مجموعه	نزدیک به صفر اراده مؤثر: فرهنگی	امکان حذف فضاهای ساخته شده وجود ندارد.
	کارکرد مصلی	مغایر با مدل مطلوب (۷)	نزدیک به صفر	امکان حذف فضاهای ساخته شده وجود ندارد.
مدل (ن)	کارکرد عبادی - فرهنگی	کاهش قاعده ربطی مخاطبین با مجموعه	نزدیک به صفر اراده مؤثر: فرهنگی	امکان حذف فضاهای ساخته شده وجود ندارد.
	کارکرد مصلی	مغایر با مدل مطلوب (۷)	نزدیک به صفر	امکان حذف فضاهای ساخته شده وجود ندارد.
مدل (ع)	کارکرد عبادی - فرهنگی	کاهش قاعده ربطی مخاطبین با مجموعه	زیاد اراده مؤثر: اجتماعی	شاخص کردن مسیرهای رفت و برگشت مراکز عبادی و مرتبط با تعریف مصلی بواسطه تدابیر معمارانه (رنگ، المان و ...)
	کارکرد مصلی	مغایر با مدل مطلوب (۵) و (۷)	کم	مسدود کردن برخی از پله‌ها در صورت امکان در زمان برگزاری نماز اعیاد و ایجاد مسیر هموار و مسطح هرچند طولانی برای رسیدن به فضای باز میانی
مدل (غ)	کارکرد عبادی - فرهنگی	کاهش قاعده ربطی مخاطبین با مجموعه	نزدیک صفر اراده مؤثر: اجتماعی	امکان حذف پله‌ها به علت اختلاف سطوح وجود ندارد.
	کارکرد مصلی	مغایر با مدل مطلوب (۷)	نزدیک به صفر	امکان حذف فضای گنبدخانه وجود ندارد
مدل (ی)	کارکرد	کاهش فاعلیت	کم	تدابیر معماری داخلی در افزایش حضور زیر گنبد خانه با ترکیب



پارتیشن‌های مکعبی شکل	اراده مؤثر: فرهنگی	مسجد جامع و گنبد خانه	عبادی - فرهنگی
-----------------------	--------------------------	--------------------------	-------------------

۹- نتیجه گیری

جهت کنترل تغییرات تنظیم نمود که در پژوهش مطرح گردید و در نقد نمونه موردی پژوهش (مصلی تهران) با تکیه بر نظام فاعلیت و معادله تنظیم شده طبق جدول ۵، چنانچه هر کدام از راه کارهای پیشنهاد شده، عملی گردد، مجموعه یک قدم به مدل مطلوب (الهی) نزدیک خواهد شد. برخی از تغییرات مانند مدل (گ) تغییرات دشواری هستند؛ هر چند امکان تحقق دارد؛ اما برخی از تغییرات مانند الگوی پیشنهادی مدل (الف)، مدل (ج)، مدل (ر) و مدل (ع) سهل و امکان تحقق بیشتری دارد. لذا یافتن اولویت‌ها در بین الگوهای پیشنهادی برای تغییر وضع موجود بسیار اهمیت دارد. هر چه تعداد این مدل‌های نقادی افزایش یابد، میزان قرب وضع موجود به مطلوب بیشتر خواهد بود. لازم به ذکر است در تمام مدل‌های این مجموعه، اراده فرهنگی به عنوان اراده محوری محسوب می‌گردد؛ اما در برخی از مدل‌ها مانند مدل (ب) مسئله اقتصادی و سیاست باعث می‌شود که تغییر تحقق پیدا نکند. لذا در این نوع از مدل‌ها اراده سیاسی و اقتصادی به عنوان اراده مؤثر معرفی می‌شود که بایستی در ذیل اراده فرهنگی زمینه را برای ایجاد تغییرات در طول زمان فراهم سازد.

۱۰- تشکر و قدردانی

موردی از طرف نویسنده مطرح نشده است

۱۱- پی نوشت

موردی از طرف نویسنده مطرح نشده است

۱۲- منابع

قرآن کریم

منصوری، سید امیر. (۱۳۷۹). روش نقد معماری؛ ملاحظاتی در راه ترسیم روش نقد معماری به طور

در پاسخ به این سؤال که چگونه می‌توان یک اثر معماری را با تکیه بر تغییرات آن در طول زمان نقد نمود و آیا می‌توان معادله‌ای برای کنترل تغییرات معماری جهت هدایت به وصف مطلوب ایجاد کرد؛ می‌توان بیان نمود که با شناخت اوصاف مشترک و ایجاد مدل وصفی از اوصاف می‌توان یک اثر را نقد کرد که فلسفه شدن اسلامی با قائل شدن به حد اولیه «اصالت فاعلیت» این امکان را فراهم آورده است که از طریق ساخت مدل وصفی، موضوعی و عینی می‌توان به نقد الهی یک اثر معماری پرداخت؛ در این راستا بررسی نسبت بین وحدت و کثرت در نظام فاعلیت از بدیهیاتی است که سه اصل «اصالت ربط در تعریف تعیین کثرت معماری»، «اصالت تعلق در تعریف ربط (نیازمندی)» و «اصالت فاعلیت در تعریف تعلق» هماهنگی لازم بین کثرت را ایجاد می‌کنند که بر اساس همین سه اصل هر یک از فاعل‌ها در نظام فاعلیت به عنوان فاعل‌های محوری، تصرفی و تبعی شناخته شده و جهت‌گیری فاعل محوری، شدن یا هویت کل نظام را رقم خواهد زد در تحلیل‌های به دست آمده در پژوهش حاضر می‌توان چنین بیان نمود که به نظر می‌رسد جهت‌گیری مدل وصفی یعنی اوصاف بیرونی معماری (قدرت) به عنوان فاعل‌های محوری به یکی از ساختارهای درونی معماری (فطری، ذهنی و فیزیکی)، کارکرد متفاوتی برای معماری ایجاد می‌کند و اگر جهت‌گیری فاعل محوری به سوی معیار الهی (فطرت) باشد، نظام فاعلیت معماری از نسبی‌گرایی مطلق خارج شده و مدل‌های موضوعی و تبعی معماری بر اساس همین جهت‌گیری، توسعه زمانی و اشتداد مکانی بالایی خواهند یافت؛ بنابراین می‌توان معادله‌ای را



همه‌جانبه و با معیارهای روشن. هنرهای زیبا (۷):
۷۸-۷۱

<https://www.sid.ir/paper/5794/fa>
بانک اطلاعات دفتر فرهنگستان علوم اسلامی
(۱۳۶۶). «طرح جامع مقدماتی نظام»، شناسه
پژوهش ۱۳۴۱

<https://www.isaq.ir>
برقی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱). المحاسن. تصحیح:
جلال الدین محدث. قم: دارالکتاب الاسلامیه
<https://noorlib.ir/book/info/1544>
پارسانیا، حمید. (۱۳۹۱). جهان‌های اجتماعی. قم:
کتاب فردا

<https://b2n.ir/a31488>
جهانبخش، عباس. ۱۳۹۵. رساله دکتری با عنوان
«نظریه‌وش شناسی اسلامی نظریه‌پرداز معماری».
دانشگاه هنر اصفهان

<https://b2n.ir/x31233>
جهانبخش، عباس؛ شیخ العراقرین زاده، حسن.
(۱۳۹۸). باز تعریف سازمان تولید علم در ایران، بر
اساس نظریه علم دینی فرهنگستان علوم اسلامی
قم. اولین همایش «چیستی و چگونگی تحول در
علوم انسانی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای». دانشگاه
شیراز

<https://b2n.ir/x46854>
جهانبخش، عباس؛ شیخ العراقرین زاده، حسن. (۱۳۹۸).
رابطه علم و فرهنگ، زیرساخت نظری تمدن اسلامی.
دو فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی. (۱/۲):
<https://b2n.ir/g98069> ۶۴-۳۷

حسینی الهاشمی، سید منیر الدین. (۱۳۸۶). طبقه‌بندی
آموزشی چگونگی اسلامی شدن مهندسی توسعه نظام
اجتماعی. قم: واحد تدوین و نشر معاونت ارتباطات
فرهنگ

https://jpt.isca.ac.ir/article_44.html
خویی، حمیدرضا. (۱۳۷۹). رساله دکتری: نقد و شبه
نقد: تأملی در مواضع منتقدین در نقد آثار معماری.
تهران: دانشگاه تهران.

دفتر فرهنگستان علوم اسلامی. (۱۳۸۷). فلسفه مبانی
اصول نظام ولایت. قم: گروه تحقیقات مبنایی دفتر
فرهنگستان علوم اسلامی.

<http://www.isaq.ir/vtppy7i6.sk34w9zii7gaw.ij0w.html>

رئسی، ایمان. ۱۳۸۶. رساله دکتری: نقش نقد در
جهت‌دهی معماری معاصر ایران. تهران: دانشگاه
علوم و تحقیقات واحد تهران.
فرهنگستان علوم اسلامی قم. (۱۳۹۰). تحول در
علوم انسانی. قم: انتشارات کتاب فردا

<https://b2n.ir/w92287>
مجلسی، محمدباقر. ۱۴۱۴. بحار الأنوار الجامعة لدرر
أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام. جلد ۵ بیروت:
داراحیاء التراث العربی

<https://b2n.ir/w45920>
مزیدی، محمد، لهبی، زهرا، زاهد زاهدانی، سید
سعید؛ تقوی، سید محمدرضا. (۱۳۹۸). شناخت
جایگاه علوم تربیتی در ارائه نظام نیاز و ارضا (بر
مبنای فلسفه چگونگی اسلامی). فصلنامه مطالعات
معرفتی در دانشگاه اسلامی. (۳/۳): ۴۲۹-۴۴۴

<https://www.sid.ir/paper/237049/fa>
مهدی حمزه نژاد، مهدی؛ سعادت جو، پریا و
رمضانی، شهاب‌الدین. (۱۳۹۲). الگو شناسی مصلی
های معاصر ایران و آسیب‌شناسی مفهومی آن‌ها بر
اساس راهبردهای فقه شیعه. معماری و شهرسازی
آرمان‌شهر. (۱۵): ۴۱-۵۷

http://www.armanshahjournal.com/article_34033.html
مهدی زاده بیاتانی، حسین. (۱۳۹۶). اقتباس انحلالی،
شیوه بهره‌مندی از دستاوردهای تمدن غرب بر پایه
اندیشه فرهنگستان اسلامی قم. پژوهش‌های تمدن
اسلامی. (۱): ۳۷-۶۰

<https://www.magiran.com/paper/2511120>
مهدوی نژاد، محمدجواد. (۱۳۸۴). آموزش نقد
معماری: تقویت خلاقیت دانشجویان با روش تحلیل
همه‌جانبه آثار معماری. نشریه هنرهای زیبا، (۲۳):
۷۶-۶۹

<https://www.sid.ir/paper/5771/fa>
منصوری، سید امیر. (۱۳۷۹). روش نقد معماری؛
ملاحظات در راه ترسیم روش نقد معماری به‌طور



URL3:<https://www.tabnak.ir/fa/news/974258>

URL4:<http://www.imam-khomeini.ir/fa/n148911>

URL5:<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/04/04/1113540>

URL 6: <https://safarzon.com/mag>

URL7:<https://what.sapp.ir/musalla/154643564553883856iXt8>

همه‌جانبه و با معیارهای روشن. هنرهای زیبا (۷):

۷۸-۷۱

<https://www.sid.ir/paper/5794/fa>

میرباقری، سید محمدمهدی. (۱۳۸۹). جهت‌داری علوم از منظر معرفت‌شناختی. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

<https://b2n.ir/b51299>

URL 1:

<https://www.irna.ir/news/81661100>

URL 2: <https://mihanbana.com>

۱۳- چکیده تصویری فارسی

